

سیاست‌های خود را بر کاهش حمایت‌های دولتی و مستقل‌سازی اقتصادی قرار دادند (The French Economy, 2000).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به آزمون این فرضیه پرداخت که رانتهی بودن اقتصاد ایران تحریم‌ها را هوشمند و اثرگذارتر کرده است. بدین منظور ویژگی‌های اقتصادی ایران از بُعد رانتهیری و وابستگی بیش از ۴۰ درصدی این ویژگی‌ها به درآمدهای نفتی تبیین و مراحل هوشمندسازی تحریم‌ها در سه سطح جغرافیایی، نهادهای نظارتی و کنترلی و موضوعی تشریح شد. در نهایت رابطه اقتصاد رانتهیر و تحریم‌ها به‌عنوان متغیرهای اصلی ارزیابی گردید و طی چهار مرحله نشان داده شد که ویژگی‌های این دو متغیر چگونه در محیطی کنشی و واکنشی، این ساختار را شکل داده‌اند؛ مرحله‌ای که نخست در وجهی یک‌جانبه، خرید نفت و حمایت لجستیک و فنی آن از سوی آمریکا را قطع و ایران را با کاهش ۷۰۰ هزار بشکه‌ای صادرات و مشکل تأمینات فنی مواجه کرد. سپس برای حفظ فشار اولیه و بستن راه دستیابی ایران به بازارها و مشتریان دیگر، در سال ۱۹۹۶ بعدی فراسرزمینی یافته و برای شرکت‌های ثالث (غیرآمریکایی) جریمه و محدودیت وضع گردید. در گام سوم و به قصد بستن مسیرهای دسترسی و همه‌جانبه نمودن تحریم‌ها، استفاده از ابزار شورای امنیت در دستور قرار گرفت. در نهایت با استفاده از ابزار، تجارب و روندهای ایجاد شده، دگربار تحریم‌های یک‌جانبه برقرار شد.

در این دوران دو مقطع زمانی قابل توجه است؛ نخست، سال ۲۰۱۲ که ده‌ها فصل تحریمی؛ از جمله منع خرید، فروش، حمل و نقل، بیمه‌های نفتی، بانکی، سوئیفت، تبادلات یورویی، خرید طلا و فلزات گرانبها و ... از سوی شورای امنیت، آمریکا و اروپا در وسعتی جهانی اعمال و در نتیجه صادرات نفت ایران را در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به حدود یک‌ونیم میلیون بشکه در روز و درآمدهای نفتی را در حالی که قیمت نفت روی یک‌صد دلار بود به نصف سال‌های قبل رساند. دوم، در سال ۲۰۱۸ که با بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و در سایه استفاده این کشور از ابزارهای تحریمی متعدد، تنبیهات جدی ثانوی و تجارب و